

عنوان مقاله:

زبان و تفکر مولانا در مثنوی (با تکیه بر عشق و عرفان)

محل انتشار:

سومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به آثار مولانا) (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

محمدحسن ادریس - دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان استادیار

خلاصه مقاله:

آدمی وارث علوم و معارف نیاکان خویش است اما کم پیدا می شود کسی که دانش مضبوط در ضمیر خود آگاه فردی و جمعی را در قالب چند ده هزار بیت سطر آشکار کند و قرن‌ها عام و خاص را میهمان و مجذوب اندیشه های الهی نماید و سروده های معنویو عرفانی خود را سیقل ارواح بخواند. دریافت خواستگاه فکری مولانا به همان اندازهدشوار است که بخواهیم سرچشمه ی رودی را در اعماق جنگلی انبوه جست و جو کنیم، اما آنچه از ظاهر مثنوی و ورای صورت آن بر می آید مهم ترین منبع تغذیه ی روحانیسراینده ی آن، قرآن و معارف اسلامی است. از نظر مولانا مرد کامل برای رسیدن بهکمال بایستی از شریعت عبور کند، سپس به طریقت وارد شود (عشق)، تا به منزل ومقصود سعادت‌مندی برسد (حقیقت)...مولوی هم به عنوان متفکر شاعر و هم به عنوانشاعر عارف، با ژرف نگری هرچه تمام تر قادر شد مضمو نی والا و بدیع و بکر را از نظامفکری عارفانه و صوفیانه فهم کند و آن را به بلیغ ترین و فصیح ترین وجه متناسب بادریافت مخاطبان تبیین کند، از نظرگاه مولوی آمیزه ها و تعالیم عرفانی می تواند پوسته‌های محاصره کننده ی ذهن بشر خاکی وجاذبه های غفلت آور این دنیای خاکی رابشکند و بطلان آنها را روشن سازد و انسان فریفته ی دنیا را به خویشستن حقیقی خویشرجوع دهد و به وی نه تنها خودآگاهی بلکه خدا آگاهی ببخشد.مبحث دیگر در ایننوشته مسیله ی عشق در مثنوی است که در فلسفه ی وحدت وجود مبنای عرفان وتصوف شناخته شده و مولانا عشق را خمیر مایه ی همه ی پیشرفت ها و بزرگواری ها می دانست.

کلمات کلیدی:

مولوی، افکار، عرفان، عشق، وحدت وجود

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/639738>

